

خالصجات انتقالی را خاصه هر قراری يك ميزان مالیاتی برای دولان در این مجلس معین کنیم باینجهت است که داخل در شرح وتفصیل نمیشوم .

قبلا عرض شده است که برای خالصجات انتقالی تکلیفی در نظر گرفته شده است و لایحه هم تقریب بمجلس خواهد آمد و این مسئله از نظر دور نرفته است مشغول هم هستند برای اینکه اصلا اینکار مجمل ابتلا وزارت مالیه است و خواهد نخواه باید اینکار را بکنیم و اینکار هم میشود .

ولیکن بنده همچو تصور میکنم که این يك امری است که هیچ نمیتواند وارد شود در مواد قانون ممیزی و این مالیاتی که در این قانون ما منظور داشته ایم و بهتر اینست که اصلا يك نکته را محل توجه قرار بدهیم و آن این باشد که اموری که نسبت به فی یا اثبات کم و زیاد کردن مالیه مداخله میکنند .

یعنی مقدار جمعی که در دست گرفته شده است برای یکسال قبل از اینکه پیشنهاد شود (البته نمایندگان محترم مختارند و راه پیشنهاد هم همیشه باز است) .

ولی از نقطه نظر قرار از يك معظورات دیگری این عرض را میکنم . نسبت باین پیشنهاد است که تأثیر مالی دارد بایستی قبلا صحبت بکنیم و مذاکره کنیم زیر و رویش را در اداره اینکار ببینیم و آنوقت بر طبق معلوماتیکه بدست آمده يك پیش نهادی بشود .

باینجهت ممکن نیست که بنده در يك پیشنهادهایی که تأثیر مالی داشته باشد و بنده در مجلس شرف حضور داشته باشم بدون اینکه قبلا مطالبی کرده باشم بتوانم موافقت کنم .

این است که نسبت باین پیشنهادها هم تنها میکنم مقرر فرمایند (البته بخواهند بکمسیون هم ببرند و نظامات مجلس این امور را اقتضا میکنند این مسئله دیگری است) .

ولی بنده نظری که عرض میکنم این است که خوبست این مسئله را اصلا مسکوت بگذاریم و مطالبی را که راجع بخالصجات انتقالی در نظر گرفته ایم بعد از آنکه حاضر شد در کمیسیون قوانین مالیه حاضر میکنیم و بعرض میرسانیم .

آقای شیروانی هم ممکن است لطف فرمایند و تشریف بیارند در آنجا خوب زیر و روی مسئله را نگاه میکنیم و بعد از اینکه خوب تنظیم شد آنرا بمجلس می آوریم زیرا این لایحه ممیزیست و مربوط بآن موضوع نیست .

مخبر - بنده بر حسب فرموده آقای رئیس مختصراً عرض میکنم چون ظهر گذشته بنده تصور میکنم يك همچو پیشنهادی سابقاً شد نمی دانم از طرف آقای مدرس یا کسی دیگر بود که رد شد حالا درست نظر نمیست و الا ساعه هم یکی از آقایان که

علاوه ساله دارد بامن گفت حقه مدعی شصت و شش ما حالا داریم میدهیم و شکایت زیادی هم نداریم (همچو بین نمایندگان)

مخبر - الساعه در مجلس بمن همچو چیزی گفت بنده که خودم خالصه ندارم يك استدلالاتی آقای شیروانی فرمودند حقه خالصجات است اشخاصی هست که حالا ملک بپهلویش را میروند ممیزه میکنند و چه میشود و چه نمیشود ما باید ببینیم خالصجات چه بوده و بطور بدست اشخاص افزوده؟

اشخاصی که مثل من لختی بوده اند امروز بوا - طه همین خالصجات میروند شده اند ما که باید يك قراری برای تقسیم املاک خالصه بین رعایا بدهیم و آن املاکی که دست دولت است يك قراری در تقسیمش باید داده شود و همچنین املاکی که در دست اشخاص است .

پس این چه کاری است که ما حالا بیاییم و قانون ممیزی را که يك عده زیادی مردم امروز گرفتارش هستند اینرا گرو بکشیم و بگوئیم مردم باید باین آتش بسوزند که یکدسته ای که از پهلوی خالصجات انتقالی فایده های زیادی برده اند و امروزه دارد بارشان یک قدری سنگین میشود سبک بشود .

ما مظلومیت يك جماعتی را میخواهیم گرو بکشیم . که يك دسته خاصی میخواهند استفاده کنند؟؟ درست است . این دسته يك استفاده هائی کرده اند و حالا کمتر میتوانند استفاده کنند و باید يك ترتیبی برای آبادی املاک خالصه داده شود که مردم اطمینان پیدا کنند که این ملک را از دست آنها نمیگیرند که بروند و آباد کنند .

ولی گرو بکشیدن قانون ممیزی برای این مسئله خیلی دور از احساساتی است که آقایان قبلا برای گذستن قانون ممیزی اظهار میکردند .

خالصجات انتقالی هم تمام مثل هم نیست و آقای معاون هم توضیح دادند خالصجات بانواع مختلفه باشخاصی و اگذار شده است بعضی با همان جمعش قبول کرده اند .

بعضی بقسمت اصلی خریداری کرده اند و مالیاتش را مثل مالیات اربابی با آنها معامله کرده اند و همه هم فرمان دارند .

یکی از اعلیحضرت مظفر الدین شاه و راجع بخالصجات بنده معتقدم که همه را بیک نسق ما نمیتوانیم معامله کنیم و باید يك لایحه را دولت بیورد و در اطرافش مذاقه بشود و بنده استدعا میکنم که آقای شیروانی این قانون را گرو این کار نکشند .

رئیس - رأی میکنیم بقبول توجه بودن

پیشنهاد آقای شیروانی آقایانیکه قابل توجه میباشد قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهادات و مواد الحاقیه رسیده است از طرفی هم پیشنهاد ختم جلسه شده است يك پیشنهادی هم شده است راجع باضافه شدن جلسات مجلس از طرف آقای معتمد که نفاذ کرده اند روزهای شنبه علاوه شود . آقای معتمد (اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - سی و پنج شش روز بیشتر بمردم دوره پنجم باقی نمانده و در این مدت بیش از یازده جلسه از قرار هفته سه جلسه نخواهیم داشت .

در صورتی که قسمت عمده لوایح و بودجه های مملکتی در کمیسیونها گذشته و طبع و توزیع هم شده که همینطور معطل مانده و بااستثنای بودجه وزارت مالیه که شاید امروز تمام شود تمام بودجه ها گذشته است لوایح دیگری هم از کمیسیون قوانین مالیه و همچنین کمیسیونهای دیگر گذشته است که برای دستور حاضر است و آقایان نمایندگان محترم تصدیق میکنند که برای لوایح بودجه ها سه جلسه کافی نخواهد بود و هم باچاره هستیم در این مدت عمر مجلس قسمتی از این لوایح را بگذرانیم بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم که هفته يك جلسه عجاتاً بجلسات افزوده شود .

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - موافقم

رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - بنده مخالفم . بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند شیروانی - بنده هم مخالفم رئیس - بفرمایید .

شیروانی - خود بنده فکر میکنم که روز شنبه باید در دو کمیسیون بروم صبح در کمیسیون بودجه و عصر در کمیسیون قوانین مالیه .

آیا همان چیزهایی را که مجلس باید رأی بدهد در کمیسیون باید بگذرد یا خیر و بنده نمیدانم آقای معتمد که این پیشنهاد را فرموده اند آیا خودشان میتوانند هم در کمیسیون حاضر شوند و هم در مجلس باشند؟ و از این جهت بنده با این پیشنهاد مخالفم .

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد پیشنهاد آقای معتمد . آقایان موافقین قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - روشد جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور . اولاً پیشنهاد های واصله راجع بهمین قانون ممیزی

ثانیاً خبر کمیسیون فواید عامه راجع بماده - پزده امتیاز برب السوس

ثالثاً لایحه پرداخت دیون دولتی (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م - شهاب منشی ع - خطیبی

جلسه ۳۳۹ صورت ه شرح مجلس يك شنبه بیستم دیماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۵ جمادی الثانیه سنه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس پنجشنبه هفدهم دیماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور .

رئیس - آقای شوشتري شوشتري - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای شیروانی شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای امیر حسین خان امیر حسین خان - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده نظرم این بود که جلب توجه مقام ریاست را بکنم که چند روز قبل کسالت داشتم و کتبا استجاره کرده بودم بنابراین دیر آمده ماذون نوشته شوم .

رئیس - راجع باینقسمت از کمیسیون عرایض و مرخصی چون اطلاعی رسیده است باینجهت اینطور نوشته شده است مراجعه می شود و پس از تصویب کمیسیون اصلاح خواهد شد

آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - قبل از دستور رئیس - نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست ؟

(گفته شد : خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - آقایان خوب در نظر دارند درنهم خرداد وقتیکه قانون اضافه مالیات قندو جای از طرف دولت پیشنهاد شد مجلس کمال موافقت نمود و هم

تجار و کسبه حسن استقبال کردند چرا؟
 برای اینکه نظر کردند اگر اینجا
 یک یون اضافی گرفته میشود در عوض اصول
 اقتصادی تأمین خواهد شد و مخصوصاً اینکه
 در ماده ۹ تصریح شده است که هر چه زودتر
 دولت لایحه راه آهن را بمجلس پیشنهاد
 خواهد کرد
 بنده هیچ اطلاع ندارم که دولت چه
 تصمیمی گرفته و آیا چه نقشه در نظر دارد و
 کی بمجلس خواهد آمد
 بنده یقین دارم که دولت بی خیال
 نیست ولی کسی چه عرض کنم همیشه
 میتوانم عرض کنم که آن نظر مجلس تأمین
 نشده است زیرا اگر این وجوه را از مردم
 نمیکشند این وجوه در جریان بود و در دست
 کسبه دست بدست میگشت ولی امروز این وجوه
 حبس شده است
 بطوریکه بنده بمشغول بین هفت یا
 هشت کرور تومان از این وجوه و وجوه تقاعد
 و سایر مجاهدات بانک حسن است و حبس
 این وجوه در یک همچو ملکیتی بکلی دست
 ویای کسبه و تجار رابسته و بکلی مخالف با
 آن نظر اقتصادی است
 این است که بنده از مقام منبع ریاست
 استدعا دارم بدولت تذکر بدهند که هر چه
 زود تر نقشه خودشان را بمجلس پیشنهاد
 کنند تا مجلس بتواند در آن با هم
 موافقت نظر ابرار کند و این وجوه بجزریان
 بیفتد
 البته بنده این را در نظر ندارم که
 چون چیزی به آخر مجلس باقی نماند، ما یوس
 شوم از اینکه اشکار بمذاق انقضای این دوره
 مجلس انجام نمیشود
 زیرا اگر در این مجلس تمام نشود مطابق
 قانون مجالس از بی یکدیگر خواهند
 آمد و هر یک قائم مقام دیگری بوده هر مجلس
 کار خود را خواهد کرد
 ولی مقصود بنده این است که هر چه
 زودتر دولت پیشنهاد خودش را بمجلس
 تقدیم کند
 شاید باین فقر اقتصادی و اوضاع
 اقتصادی که خیلی وقت آور است خاتمه
 داده شود
 وزیر فواید عامه - بنده می توانم با آقای
 ارباب کیخسرو و سایر آقایان اطمنان بدهم
 که لایحه خط آهن شاید تا ده روز دیگر
 تقدیم مجلس شود
 از برای جلب نظر مستشاران امریکائی
 هم فرستاده ایم، تصور میکنم برای دهر روز
 دیگر لایحه اش حاضر شود
 رئیس - آقای حاج حسن آقا
 ملک .
 (اجازه)
 حاج حسن آقا ملک - بنده یکی دو
 جلسه بود که میخواستم پاره عریض را
 بعرض آقایان رسانم متأسفانه مرفوع نمیشدم
 زیرا اغلب آقایان علاقه بدستور داشته

و دستور را مقدم میدانستند
 امروز که موفقیت حاصل شده است
 قبلاً میخواهم عرض کنم پاره از قضایای
 مهم و امور عام المنفعه هست که و کلا حق
 دارند بدولت تذکر بدهند
 از همین نقطه نظر است که قبل از
 دستور تعیین وقت شده است از برای
 اشخاصی که بخواهند نظایا را تذکر
 بدهند
 سابقاً راجع با اصلاحات آستانه بنده
 تذکر دادم و در مجلس وعده کرده بودم
 که یک محاکمه مهمی که راجع بیکگی از
 رقبات نفیسه اتفاق افتاده است بعرض مجلس
 شورای ملی برسانم
 البته آقایان تصدیق میفرمایند که امروز
 اعلیحضرت اقدس پهلوی حقاً و شرعاً و عدلاً
 مکلف هستند با اصلاحات آستانه چرا که تولیت
 آستانه امروز با شخص اشخاص اعلیحضرت است
 و اگر در خاطر آقایان باشد در یک موقع بعرض
 رساندم که در دو سال قبل این نظر اصلاحی
 را داشتند و امروز فرموده بودند و آقای
 سرانشر کمیسیون کردند که بنده هم مفتخر
 بودم بعضویت در آن کمیسیون و مادر آن
 کمیسیون یک قضایائی را کشف کردیم
 عجب آئینده چیزی را که میخواهم عرض کنم
 خلاصه آن محاکمه است
 این نکته را هم باید تذکر بدهم که
 اشخاصی که از طرف سلطان وقت بعنوان
 تولیت مشرف میشوند اینها نماینده اند و کیل
 نیستند و در قانون هم تصریح دارد که
 وکیل نباید دارای چه صفاتی باشد و از
 موکلش چه اختیاراتی باید باو داده شده
 باشد
 شخصی عریضه میدهد راجع بیکگی از
 رقبات مقام آستانه که خودش مستأجر بوده
 و مدتی مدعی تصرف و مالکیت آن بوده
 عریضه او را بتولیت وقت میدهند و تولیتی
 از طرف سلطان وقت انتخاب شده بود
 ایشان از حضور طرفه می زنند و احضاریه
 ثانوی میروند و بالاخره حکم فیابی صادر
 می کنند
 امنا آستانه تلگراف
 میکنند و متظلم میشوند بشاه که یک
 همچو قضیه بیش آمده و یک ملک یک کروری
 آستانه از بین رفته است و چون از مجرای
 قانون وارد نمیشوند مدعی العموم حس می-
 کند که این یکی از موارد ابلاغ
 است خود او عریضه استیناف میدهد و کار
 را باستیناف میکشد و در استیناف آن حکم
 نقض میشود ولی نمیشود
 در این ضمن امنا آستانه تلگراف
 میکنند بشاه منزل و یک جوابی می رسد که
 هر کس با آستانه ادعائی دارد باید مستقیماً
 بخود من مراجعه نماید
 و فتیحه این حکم از طرف تولیت
 ابلاغ میشود عدلیه خراسان مراجعه میکنند
 بعداً هر کز و سوال میکنند که یک چنین

تلگرافی آمده است تکلیف چیست؟ از طهوران
 جواب می رسد باینکه مشغول مذاکره هستیم
 و نتیجه را بعد اطلاع می دهیم و بالطبع
 کار از جریان می افتد و استیناف هم تعطیل
 میکند
 بعد از ۴ سال از مرکز جواب میدهند
 که مطابق معمول رفتار کنید مدعی العموم می-
 آید قضیه را تعقیب نکند
 میگویند چون ۳ ماه از موعد گذشته
 و تعقیب نکرده اید عریضه شما پذیرفته نیست
 میگویند اگر من تعقیب نکردم از این نظر
 بود که عدلیه دستخط شاه را موثر دانست
 زیرا مراجعه کرد مرکز و مرکز هم بعد
 از چهار سال جواب داد و باین نظر بود
 که من تعقیب نکردم و بالاخره حکم بجزریان
 انداختند
 اما بچه ترتیب - باین ترتیب که خود
 آدمی که متصرف ملک بوده است ملک
 در تصرف اوباقی میماند و مخارج عدله
 را هم میپردازد تا اینکه تولیت وقت عرض
 میشود حکم ابلاغ نشده حتی به آن متولی
 که وکیل نبوده است به او هم ابلاغ
 نمیشود
 یکی از تولیت های وقت برمی دارد
 بان شخص غاصب مینویسد که من اصلاح نمی
 دانم شما با آستانه پنجه بیندازند
 او آن کاغذ را به عدلیه میبرد و قائم -
 مقام اخطار معرفی میکند رئیس محکمه
 که عوض میشود بخط خود پیش بنده سندی
 صادر که اعتراض کرده است بحکم خودش
 چون بنده میخواهم تقاضا کنم که یک کمیونی
 بشود و در این قضیه رسیدگی بشود انشاء الله
 اسناد را ارائه میدهم
 رئیس عدلیه دوم مرتبه بر رئیس دفتر می-
 نویسد (این نکته را درست توجه فرمایند)
 که وقت کنید ببیند حکم ابلاغ شده است یا
 حیره؟
 رئیس دفتر می نویسد آنچه بنده تفحص
 و تجسس کردم چیزی دال بر ابلاغ باشد
 نیافتم
 محکمه بقدری حرص و اداع داشته که
 این عبارت را نخوانده زیرش بنویسد بنابر
 این حکم ابلاغ شده است
 بنده از آقایان میخواهم استدعا کنم
 چون همه علاقه مند هستند با اصلاحات مخصوصاً
 این مسئله که متضمن قضایای دیانتی هم
 است که صلاح بدانند و حضرت رئیس
 مساعدت فرمایند و موافق با مواد قانون
 باشد یک کمیونی تشکیل شود آن اسناد و
 نوشتجاتی که راجع باین قضیه پیش بنده
 موجود است در آن کمیون ارائه دهم که
 نگذاریم یک ملک چندین ساله آستانه از میان
 برود
 بنده ضمناً یک مسأله دیگری را هم
 میخواهم تذکر بدهم و آن این است که در
 دوسه جلسه قبل آقای دکتر محمد خان مصدق
 عقیده اظهار کردند و ترجیح دادند ادوار

سابقه را بر این دوره البته ایشان عقیده شان
 آزاد است
 ولی عقیده شخص بنده این است که
 از بعضی جهات این دوره ترجیح دارد
 زیرا اگر آقایان در نظر داشته باشند
 در سنه ۳۶ که سنه مجامعه بود بواسطه
 لایبالی گری و عدم توجه باین مسئله مهم
 تقریباً صد هزار نفر از نفوس ایران تلف
 شد
 بعضی از نمایندگان خیلی بیشتر
 حاج حسن آقا ملک صریح است بلکه
 بیشتر همین امسال فقط و غلاب یک قیافه مهیب
 تری عرض اندام کردند دولت حاضره با یک
 جدیت توجه باین قضیه کرد و ارزاق عمومی
 را تأمین نمود
 بعضی از نمایندگان - این محار
 را دولت کرده است بمجلس چه ربطی
 دارد
 حاج حسن آقا - اجازه فرمائید اگر
 بخواهیم قیاس کنیم خیلی چیزها است که می
 توانیم اظهار کنیم
 میخواهم عرض کنم در ادوار سابقه
 و در مواقع فقرت یک قضایائی واقع شده و
 در این دوره هم یک قضا بنده بطور
 اجمال میخواهم تذکر بدهم البته آقایان
 خاطر دارند که سابقاً صحبت هامانصر شده
 بود بمشغول ماشاءاله خان و نایب حسین و ظفر
 نظام و امثال اینها
 (صدای زنگ رئیس)
 رئیس متأسفانه همانطور که آن روز به
 آقای دکتر محمد خان اجازه ندادم حالا هم
 بشما اجازه نمی دهم قضاوت این امور با مردم
 و عامه است صلاح نیست ما خودمان بگوئیم
 بهتر است
 جمعی از نمایندگان - دستور
 رئیس - قبل از دستور خاطر محترم
 آقایان را تذکر میدهم که بودجه سنه
 آتی بمجلس حاضر شده بود و بکم کمیسیون
 محاسبات فرستاده شد آقای روحی
 (اجازه)
 روحی - چون مقام ریاست اطلاع دادند
 که بودجه بکم کمیون ارجاع شده خواستم
 عرض کنم که کمیون کار خودش را کرده
 است و در تحت طبع است و ای یکی دو
 جلسه دیگر حاضر میشود
 رئیس - پیشنهادات اجمع بقانون ممیزی
 مطرح است پیشنهاد آقای مدرس قرائت
 میشود
 (بشرح آتی خوانده شد)
 ماده الحاقیه - دولت مکلف است در
 حین ممیزی املاک ارباب املاک خالصجات
 انتقالی را ممیزی نماید
 مدرس - چون در موضوع خالصجات
 انتقالی که متند محتاج یک قانون جدیدی
 است که باید پیشنهاد شود در اصل مالیاتش
 من حرف ندارم لیکن بواسطه اینکه تکلیف

مردم معلوم شود خوب است در موقعی که املاک ایرانی را میزری میکنند خالصجات انتقالی را هم میزری کنند منتهی در تعیین مقداری که می خواهند بگریزند منکر است بعد مجلس پیشنهاد کنند و این خودش یک قدمی است از برای آسایش مردم و معلوم کردن تکلیف مردم دیگر با آقایان است.

رئیس - آقای کازرونی عضو کمیسیون هستند.

کازرونی - خیر شایرانی یک مرتبه دیگر قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای رضوی (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۳ - کمیسیون فواید عامه پیشنهاد آقای تقی زاده را راجع بآماده سیزدهم مورد مذاکره قرارداد چون ماده مزبور را کافی برای تأمین مقصود پنداشته اند پیشنهاد مزبور را مکرر دانسته و بهمان ماده اکتفا گردید.

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای اخگر اخگر - موافقم.

رئیس - آقای دکتر آفانیه - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام در این خصوص عرضی ندارم.

رئیس - آقای آفانیه - پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای اخگر اخگر - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای آفانیه - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای اخگر اخگر - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای آفانیه - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای اخگر اخگر - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای آفانیه - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای اخگر اخگر - موافقم.

ایالت دادیم.

یس ما ناچاریم که بقدر امکان در جمع امورات دقت کنیم آقای شبروانی خوب توجهی بر عرض من فرمایند.

بنده می دانم که در غالب مسائل با ایشان عقاید سیاسیمان موافق بوده و توافق نظر داشته ایم یک قانون شرکت تجاری در مملکت داریم و عقالتهم در عدلیه به آن عمل می کنند.

این عبارت که نوشته چهل و نه درصد اسهام را بخارجه بدهند در واقع معنیش چنانچه بعضی از آقایان هم فرمودند اینست که بخارجه بدهیم منتهی باینکه رویوش داخله.

خوبست آن کسی که میخواهد این امتیاز را بگیرد بیاید بگوید من هستم.

دیگر رویوش نمیخواهد در کمیسیون هم که این مطلب مورد مذاکره واقع شد نه آقای مغیر معتمد و نه آقای شبروانی و نه سایر آقایان اعضاء کمیسیون عقیدشان این بود ولی چون کم کم صحبت بانجا کشیده شد (که سرمایه خارجی) یعنی صحبت از جلب سرمایه خارجی شد بنده عرض میکنم آقا دور از شتر بخوابیم و خواب آشفته نبینیم.

چه عیبی دارد که در عبارت نوشته شود مطابق قانون شرکت تجاری که در کمیسیون عدلیه گذاشته و معمول بهم است رفتار شود. آنوقت اگر تبه خارجی میخوانند در این امتیاز شرکت کنند مطابق این قانون شرکت تجاری رفتار کنند داخله میخواهد؟

همینطور دیگر ما چکار داریم چهل و نه درصد یاسی پنج درصد متعلق بکسی باشد هیچ این حرفها را لازم ندارد فقط خوبست بگوییم مطابق یک قانون که رسمیت دارد در مملکت معمول به است عمل شود.

آنوقت هم که این ماده پیشنهاد شده بود موقعی بود که قانون شرکت تجاری نگذاشته بود ولی حالا که گذاشته و تمام است باید بموجب آن رفتار شود. چون کاملاً آن قانون حقوق حق مدیر شرکت که باید تابع جریان قوانین ایران باشد تمام اینها را در کمیسیون عدلیه ملاحظه و دقت کرده ایم.

این بود که برای آنکه رفع شبهات شده باشد بنده این پیشنهاد را کردم و گمان میکنم هم نظر آقای مغیر وهم آقای شبروانی وهم سایر آقایانی را که در کمیسیون فواید عامه هستند تأمین خواهد کرد.

رئیس - آقای هراقی (اجازه)

هراقی - بنده خیال میکنم ماده ۷ نظر آقای آفانیه بجهت تأمین تکلیف برای اینک ماده ۷ می گوید (صاحبان امتیاز

می توانند مطابق قوانین ایران و با اطلاع وزارت فوائد عامه برای موضوع این امتیاز تشکیل شرکتی بدارند نمایندهش و برایشان هم گز شرکت در ایران بوده توافق قوانین ایران باشد.

این ماده کاملاً نظر آقای آفانیه بعقب و سایر آقایان مخالفین را تأمین میکند و دیگر لازم نیست اینقدر وحشت داشته باشند.

بنده باز تکرار میکنم که ما باید هر چه بتوانیم جلب سرمایه خارجی را بکنیم و بهترین چیزها برای ما همین است و این چیز نیست که ما از او بترسیم. علت هم ندارد که بترسیم.

رئیس - (خطاب به آقای مغیر) عقیده کمیسیون چیست.

رها مغیر کمیسیون - نظر کمیسیون همان است که نوشته ایم.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آفانیه بعقب آقایانی که قابل توجه میدانند فرمایند (محدودی تمام کردند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آفانیه جلال قرائت میشود (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده بایش نهاد می نمایم که در ماده ۱۳ اضافه شود. در هر حال مدیر مسئول شرکت ایرانی خواهد بود.

رئیس - آقای آفانیه جلال (اجازه)

آفانیه جلال خلیل معتمدت میخواهم که با این صفت مزاجی که دارم نمیتوانم مطالب خود را بر عرض برسانم و از مقام محترم ریاست استدعا دارم که بنده اجازه فرمایند که با اینحال تا خوشی مطلبی را که بعقیده بنده خیلی مهم است مطابق سابقه و ترتیبات معمولی عرض و توضیحات لازم را بر عرض آقایان برسانم.

آقایان همه روزه روزنامهجات را می خوانند و ملاحظه فرموده اند که اوضاع امروزه دنیا طوری است که مقتدر ترین دول دنیا نگران و متزلزل هستند و همه روزه يك تقبیضات و يك دقت هائی در امورات داخلی و خارجی خودشان میکنند.

و اما در اصل موضوع بعقیده بنده در مجلس هیچ دو فکر متعارض نیست بلکه همه آقایان متوجه مسئولیت خودشان شده باشند بنده این پیشنهاد را کردم و گمان میکنم هم نظر آقای مغیر وهم آقای شبروانی و هم سایر آقایانی را که در کمیسیون فواید عامه هستند تأمین خواهد کرد.

رئیس - آقای هراقی (اجازه)

هراقی - بنده خیال میکنم ماده ۷ نظر آقای آفانیه بجهت تأمین تکلیف برای اینک ماده ۷ می گوید (صاحبان امتیاز

موافق ترتیبات مقرر می تواند امتیاز بگیرد. امتیاز فقط یا رب سوس یا هر چه

ولی اول باید بدیم و ملیت او را بدایم و ببینیم که ضروری برای مادران یا نه و موافق ترتیبات معموله مملکتی هست یا نه؟

بنده که بگفتم آنوقت هستم خیال میکنم اول کسی هستم که از ابتداء یعنی از زمان ۱۳۲۱ وقتی که همه مردم آنطرف تقیه را می گرفتند بنده در آن وقت با امتیاز دادن بخارجه موافق بودم.

ولی حالا باید دید که این ماده واقعاً نظریه ما را تأمین می کند یا نه؟ بنده همچو مقدم که ماده ۱۳ و ۷ این امتیاز را بخارجه خواهد داد.

برای اینکه در ماده هفت می گوید این دو نفر ایرانی یعنی عنایت الله خان و ناصر فلیخان می توانند يك شرکتی تأسیس کنند

معنی این است که می توانند این شرکت را از اتباع خارجی تأسیس کنند و این امتیاز را بخارجه بدهند.

ساده سیزده می نرسد؛ که صدی چهل و نه اسهام اختصاص بخارجه دارد.

بنده بعین دارم که نظر مغیر و کمیسیون این است چون موافق قانون هیأت مدیره شرکت از صاحبان اسهام تشکیل میشود در موقعی که اکثریت سهام مال تبه ایران باشد قهراً رئیس و مدیر ایرانی خواهد بود ولی مطلب این است که آقایان دقت نمی فرمایند و حال آنکه باید در موضوع و در کیفیت شرکت های دنیا خیلی دقت کرد.

برای اینکه شرکت يك امر عادی است و يك اصول قانونی دارد که نمیشود از آن تغلف کرد ولی يك اصولی هم دارد که مسکنست يك چیزهایی در آن قید کرد.

مثلاً از برای اینکه صاحبان سرمایه های بزرگ يك سهم زیادی بخرند ممکن است در نظام نامه شرکت نوشته شود که هر کسی بیست سهم پنججاه تومانی یا فلان قدر سهم بیست و پنج تومانی داشته باشد در مجمع نمایندگان شرکت صاحبش رای خواهد بود و آنوقت مسکنست چند نفر معمول خارجی پیدا شود و از بیست هزار سهم که معین شده سی سهم از حد سهم این شرکت را دونفر یا پنج نفر یا ده نفر بخرند و آنوقت این دو نفر از حیث رای برائت بر آن صاحبان پنججاه و یک سهمی که اتباع داخله خریداری کرده اند رجحان خواهند داشت یعنی اکثریت خواهند داشت.

یس اگر نظر آقایان این است که این امتیاز واقعاً بخارجه داده شود بدون اینکه بدایم کی است و چیست وجه شماره است البته نظر مجلس متاع و متع است ولی بنده بنام یک نفر وکیل عدلیه و آوکا میخوانم عرض کنم هیچ پیش بینی نمیشود کرد و نتیجه این خواهد شد که این امتیاز را ما به نام داخله به بخارجه بدهیم بدون اینکه خصوصاً اش را بدایم.

بنده برای اینکه بفهمانم مطلب ساده نیست عرض میکنم چه ضرر دارد که آقایان این عبارت را اضافه کنند که: (مدیر و مسئول باید ایرانی باشد) و اگر این جمله را قبول نکنند عقیده بنده این خواهد بود که این امتیاز را میخوانند به بخارجه بدهند منتهی با مسکنست.

رها مغیر کمیسیون - دو سه روز قبل شغصی در خارج مجلس از بنده سؤال کرد که این ماده سیزده رب سوس چیست که اینکه در اطرافش صحبت میشود بنده نتوانستم با جواب بدهم و حقیقه ندانستم باوجه جواب بدهم.

و چون بنده با نظر خیلی ساده در این ماده نگاه میکردم خیلی میل داشتم بفهمم بدانم که خطرش که اجاست تا بنده يك عقیده اتخاذ کنم.

در اینجا صحبت میشود از ماده سیزده و بعد هم از امتیاز مسکنست دار! نقادان! و بالاخره يك چیز خطرناك که در آن تبه ممکن است يك وضعیاتی ایجاد کند که جبرانش ممکن نباشد.

ماده هفت می گوید بایدستی این شرکت مطابق قوانین و مقررات ایران تشکیل شود.

قوانین و مقررات ایران چیست؟ آن قوانین و مقرراتی نیست که در سر گذر لوطی صالح درست شده باشد بلکه آن قوانین و مقرراتی است که مجلس آنرا تصویب کرده باشد.

بنابراین وقتی که ماده هفت گفت این شرکت باید تابع مقررات ایران باشد یعنی مواد مصوبه آن از کمیسیون و از مجلس گذشته باشد بفرمایم ممکن نیست طور دیگری فرض شود!!

ماده سیزده چه میگوید؟ میگوید که این شرکت قابل انتقال بخارجه نیست یعنی ممکن نیست که این شرکت بروس یا به انگلیس یا فرانسه یا آلمان منتقل شود سهم که معین شده سی سهم از حد سهم این شرکت را دونفر یا پنج نفر یا ده نفر بخرند و آنوقت این دو نفر از حیث رای برائت بر آن صاحبان پنججاه و یک سهمی که اتباع داخله خریداری کرده اند رجحان خواهند داشت یعنی اکثریت خواهند داشت.

یعنی سرمایه خارجی در آن دخالت کند یعنی اگر پنججاه يك درصد یا پنججاه در صد شد این امتیاز بکلی رفته !!

پس وقتی که شما میگویند که این امتیاز قابل انتقال نیست و فقط چهل و نه درصد بخارجه انتقال داده میشود دیگر جای تکراری باقی نیست.

البته وقتی که اساس نظامنامه را میزنند تمام مسائل را معین میکنند و سهام را از هم جدا می کنند و معین می کنند چه سهامی قابل انتقال است و ممکن است در بورسهای خارجی قیمت پیدا کند چه سهامی قابل انتقال نیست و باید مختص به ایرانی ها باشد.

بنابراین کمیسیون معتقد شد که این عبارت کافی است و محتاج به اضافه نیست و مطلب واضح است بنده نمایانم چه شکل باید گفت؟! ماده سیزده این امتیاز میگوید به هیچ نحوی از انحاء قابل انتقال به خارجی نیست و ممنوع است و موجب الغاء امتیاز خواهد شد وقتی به هیچ نحوی از انحاء به هیچ شکلی از اشکال به هیچ جوری از جورها قابل انتقال نیست و اگر واگذار شود موجب الغاء امتیاز خواهد بود دیگر چه جای این حرفهاست!!

بعد میگوید شرکتی که تشکیل می شود اتباع خارجی نمیتوانند تساهل و در اصل قضیه اساساً دو فکر است یکی اینکه بعضی ها خیال میکنند سرمایه خارجی لولو است ولی يك فکر دیگر هم هست و آن وضعیت فقر مملکت است که او لو هست و دارم مملکت را بر وضع بدی می کشاند حالا دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - رأی گرفته میشود...

بعضی از نمایندگان - خوبست بگریزید.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند فرمایند (جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون يك فقره پیشنهاد آقای تقی زاده است قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

اینجانب و پیشنهادی که راجع بآماده ۱۳ امتیاز عصاره گیری سوس در جلسه سابق کردم و یکی از آنها در مجلس قرائت شده و قابل توجه شد و دیگری بدون قرائت در مجلس بکمیسیون رجوع شد تا بنیادرضمن يك جمله پیشنهاد میکنم به صورت ذیل:

آخر عبارت بعد از جمله (موجب الغاء امتیاز خواهد بود) نوشته شود: (ولی در

صورتی که موافق ماده ۷ شرکتی تشکیل شود اتباع خارجی هم می توانند در شرکت داخل شوند.

ولی فقط قسمتی از اسهام سرمایه پرداخته شده شرکت قابل انتقال بخارجه است که بیش از چهل و نه درصد از آراء متعلق به صاحبان اسهام به آن قسمت تعلق نگیرد و پس از گذشتن قسمت مزبور بدست سرمایه داران خارجی ایرانیانی که صاحب بقیه اسهام هستند هیچوقت حق نخواهند داشت سهم خود را به هیچ نحوی بدولت یا اتباع خارجی منتقل نمایند.

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده توضیح زیادی ندارم بهم و گمان میکنم مذاکره هم بقدر کفایت شده و وجود انامطلب بر آقایان روشن است اگر مقصود این است که این شرکت بانابع خارجی داده نشود حتماً باید در اینجا شرط شود و گمان می کنم اگر هم در اینجا نوشته شود عیبی نداشته باشد

آقایانی هم که میگویند این قسمت در اینجا تأمین شده و اگر مجدداً نوشته شود توضیح واضح است بنده عرض می کنم اگر حقیقتاً اینطور است که آقایان میفرمایند و مقصود همین است دیگر برای چه اینقدر جد و جهد و اصرار دارند که این توضیح واضح نوشته نشود

بنابراین بعقیده بنده باید این قسمت در اینجا نوشته شود تا درست مطلب روشن باشد.

رئیس - آقای آفا شیخ جلال (اجازه)

آفا شیخ جلال - عرضی ندارم رئیس - آقای شبروانی (اجازه)

شبروانی - همینطوریکه فرمودند این مسئله اینقدر ما مهم نیست که مامصر باشیم که يك عبارتی نوشته شود یا نوشته نشود ولی يك مسأله همانطور که از يك طرف گفته شد است از طرف دیگر هم باید گفته شود.

یکوقت انسان یک مقاصد و نظریاتی دارد که میل ندارد حتی عبارت و کلمات را بخواند یعنی يك ماده که روی کاغذ آمده میل ندارد آنرا بخواند و ببیند که آیا آن مطلبی را که در نظر دارد هست یا نیست تقریبی هم ندارد برای این که ممکن است يك نظرهای دیگری باشد - نظرهای صالح نه نظر بد.

ممكن است يك نظرهای صالحی باشد که حقایق دیده نشود.

ولی آن ربطی با این قضیه ندارد و يك مطلب دیگری است یکوقت است که ما می خواهیم در ماده سیزده لایحه رب السوس صحبت کنیم اگر این است که بکلی مقاصد و نظریات رفت کنار و اصل قضیه این شد

آنوقت خیلی عادلانه و خوب می توانیم قضاوت کنیم .

حتی آقای آواکام می توانند از روی قواعد حقوقی بهتر قضاوت کنند

در اینجا ما می خواهیم رب السوس را امتیازش را بدهیم . بدو نفر ایرانی که آنها بروند سرمایه تهیه کنند ام از داخلی یا خارجی چون بنده در کمیسیون معتقد به صدوجهل و نه هم نه دم و مثر تمام دنیا يك كميانی که تشکیل می شود حق دارد سهام خودش را در تمام دنیا منتشر کند

ما می خواهیم ببینیم اگر صاحب امتیاز رب السوس (تم فرص های آقای آفاشیخ جلال و قای نقی زاده و تمام مخالفین راهم مجسم می کنیم و فرشی می کنیم که این یرده و ماسکه هم نبوده و حقیقت بود) و صاحب امتیاز رب السوس اعلان کرد بتمام دنیا که من برای تأسیس این شرکت يك کرور سرمایه می خواهم هر کس مایل است بیاید و بپرد و صدی نود و نه سرمایه داران فرانسوی و امریکائی و روسی و انگلیسی و بلژیکی آمدند و خریدند و شرکت راه افتاد و آن فرضی هم که آقای آفا شیخ جلال کردند و رئیس امریکائی هم مثل رئیس مالبه که که آمریکائی است برای شرکت رب السوس معین گردید بنده می خواهم ببینم آن خطری که متوجه مملکت می شود چیست چرا آنرا نمی فرمایند؟ این کلمه خارجی مد شده بنده با هیچ خارجی مخالف نیستم اگر مقصود اجرای مداخلت و همان نظر هاست آن يك چیزی است و الا آقایان اینجا نفرمودند که اگر صدی نود و نه از این سهام را خارجی خرید اینطور میشود آنروز هم که تم ۱۰ اگر فرانک فرانسه بیاید اینجا نوبش شربنی است یا اگر اینطور شد آیا پای هر بوته سوس يك نفر سادات می ایستد؟ بالاخره بنده مخصوصاً از دوسه فقره ملقا کرانی که حضرت آقای نقی زاده فرمودند خیلی تعجب کردم؟

برای اینکه مقصوداً بر پرورد فرمودند که باید با سرمایه خارجی موافقت کرد که بیاید اما باید قراول و مستحفظ گذاشت دم دروازه مملکت که سرمایه يك طوری نیاید بنده که فرمایند ایشان را نفهمیدم برای این که درست واضح نفرمودند که چطور بنده؟؟؟ و خیلی هم دست بهساره برود سکه مبادا رب السوس را يك خارجی ببرد؟

بار هم بنظر فرمودند که ماده هفت و سیزده دادن يك امتیاز ماسکه دار است بخارجی اینچاس که بنده یادداشت کرده ام که وقتی آدم مقصودی داشته باشد حقیقت را نمیخواهد ببیند چنانچه اگر عبارت ماده يك رفت و سیزده را ایشان می خوانند بنده

بابانك يك سرمايه دارد در روزنامه اعلان می کند که میخواهم تشکیل فلان شرکت را بدهم سهام خودش را در تمام دنیا منتشر میکنم

ایشان يك مملکتی را نشان ندادند که وقتی آن سرمایه دار فرانسوی یا جای دیگر رفتی که میخواهد سهامش را بفروشد در آن دروازه بانك (ایشان دروازه مملکت را فرمودند بنده حالا مطلب را كوچك ميكنم و در دروازه مملکت رادروازه بانك ميكنم) که در آن دروازه بانك قراول بگذارند که علامات مخصوص روی پولهای خارجی که میایند سهام بخرند بگذارند که همانطوری که فرمودند که سرمایه تسلط پیدا نکنند؟

نفرمودند که در کجای دنیا يك همچو شرکتی بوده است هر روز در روزنامه ها میخوانیم روزی نیست که يك شرکتی یا كميانی در دنیا تشکیل نشود و هر روز اعلان نکنند و بدون تفاوت نژاد و ملیت و مملکت و دولت سهام خودش را بدهند و بفروشد و همانطوری که عرض کردم امروز دنیا برای سرمایه وطن قائل نیست سرمایه يك چیزی است که باید در تمام برای دفع خودش هیچ تفاوتی بین پول فرانسه و بلژیک نمی گذارد و از این پولیکه میخواهد منفعت ببرد از هر کسی باشد و تابع هر دولتی که باشد آن منفعت خودش را میبرد .

بله ممکن است کسی دیگر این حرف را بزند ولی شخص ایشان با اینکه همه طورش را دیده اند بنده از ایشان تعجب کردم و يك مثالی هم ایشان ما شان دادند که چطور میشود؟

آقای آفا شیخ جلال اینچامخصوصاً فرمودند هیچك از دول مقدر دنیا نیست که خودش را هر روز متزلزل ببیند .

بنده وقتی ایرا شنیدم واقماً تعجب کردم ما که از دول مقدر دنیا نیستیم هیچ وقت خودمان را متزلزل نمیدانیم و قطع داریم که اگر صدی نود و نه سهام این رب السوس هم مال خارجه باشد باز هم مملکت ما متزلزل نمیشود .

من نمیدانم کدام يك از دول معظم دنیا هر روز صبح که دولتشان میاید پشت ميز وزارت خانه می نشینند خودش را متزلزل می بینند؟؟؟ و خیلی هم دست بهساره برود سکه مبادا رب السوس را يك خارجی ببرد؟

بار هم بنظر فرمودند که ماده هفت و سیزده دادن يك امتیاز ماسکه دار است بخارجی اینچاس که بنده یادداشت کرده ام که وقتی آدم مقصودی داشته باشد حقیقت را نمیخواهد ببیند چنانچه اگر عبارت ماده يك رفت و سیزده را ایشان می خوانند بنده

حتم داشتم نه ایشان این پیشنهاد را می فرمودند و نه این تغییر ماسکه دار را میفرمودند .

برای اینکه در این ماده اول صریحاً امتیاز را میدهند بدو نفر ایرانی . این تمام است . در ماده هفتم مجلس با اجازه بدهد که يك شرکتی مطابق مقررات و قوانین ایران تشکیل بدهد این هم مجوز است در ماده سیزده امری کند که بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال به خارجه نیست (مخصوصاً ایشان عربی هم بهتر از بنده میدانند) در اینجا تصریح می کنند که بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال نیست .

فقط کمیانی میتواند صدی چهل و نه از سهام خودش را ب دیگران واگذار کند و این صدی چهل و نه قابل انتقال است آن وقت فرمایش آقای نقی زاده در اینجا درست همانطوری که فرمودند توضیح واضح است زیرا وقتی که ما در اینجا نوشتیم بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال نیست فقط صدی چهل و نه قابل انتقال است .

حالا میفرمایند يك ماده مثلاً اینجا اضافه کنیم طولانی همانطوری که مرقوم فرمود بودند که قابل انتقال چیست من تصور می کنم که قانون گذار اینکار را نکند .

پس چرا ما میگویم که يك عبارات زانمی در قانون بگذاریم همان طوری که در نوشته جات خود ایشان هست که فارسی شکر است این فارسی وقتی شکر میشود که موجز و منطقی باشد و بلیغ نوشته شود اما وقتی که نباشد عبارات مکرر و زائد نوشته شد آن زبان فارسی شیرین نمی شود و يك زبان عجیب و غریبی میشود .

وقتی زبان فارسی شکر است که خوب نوشته شده باشد و مخصوصاً صد نفر قانون گذار يك عبارات بی مزه و زائد در قانون نباید بنویسند و باید يك عباراتی نوشته شود که حقیقتاً فارسی شکر باشد و همانطوری که عرض کردم ممکن است در يك مواقعی آدم حقیقت را نگاه نکند .

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - بسته است بنظر مجلس

رئیس - پیشنهاد ایشان مر کب است از يك قسمت جدید و قسمتی که سابقاً قابل توجه شد .

آقای کازرونی

کازرونی - بنده خواستم عرض کنم چون بالاخره ماده بر میگردد بکمیسیون این پیشنهاد هم بعقیده بنده خوب است برود بکمیسیون چون بنده نمیدانم چه طور و بکجایش رای بدهیم و قبل از اینکه رای بگیریم بهتر این است ارجاع بکمیسیون شود .

شیروانی - نمی شود مخالف با نظامنامه است

رئیس - عرض کردم پیشنهاد ایشان دو قسمت است يك قسمت جدید است که در سابق پیشنهاد کرده بودند و در مجلس فرات شد و قابل توجه هم نشد ولی يك قسمت دیگرش قابل توجه شد و بکمیسیون ارجاع شد و کمیسیون دست قبی پیشنهاد کردند که همین مسئله چون مطابق اطلاعات خصوصی این يك فرهنگي است که بالغ بصد هزاران است و حاصل يك عمر مرحوم ناظم الاطباء است و همه آقایان هم دیده اند در کمیسیون هم قابل توجه شده است پنج دقیقه وقت هم بیشتر لازم ندارد که آقایان در قابل توجه بودنش رای بدهند - از این جهت تقاضا میکنم جزع دستور شود

رئیس - آقای آفا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده اولاً برای این است که قبلاً در دستور معین شده بود که بعد از لایحه رب السوس وارد در دیون دولتی شوم چون این کارائیکه از اوایل مجلس تا اکنون در اینجا نمیدانند مجلس هم دارد خاتمه پیدا میکند بنده عقیده ام این است که باید این لایحه در اینجا مطرح شود تا تکلیف این بیچاره ها معین شود از اینجا بیرون بروند و تا بنای بنده عرض می کنم اساساً ما نمیتوانیم بر گردیم بزمان کیومرث که به پیشم اورمزد میگفتند یا خدا همانطوری که جامعه ترقی میکند و ملت بزرگ میشود همانطوری که با لامیرود

ساجه کار داریم باینکه زمان کیومرث خشارش یا اورمزد میگفتند ما باید مطابق احتیاجاتمان لغت داشته باشیم - شما می فرمائید که ما بر گردیم بزبان کیومرث یا اینکه ببینیم در زمانیکه داریوش در کوه بیستون آن صورت هزارا میکشیده چه لغتی را استعمال میکردند ؟ این چه فایده برای ما دارد ؟

بنده معتقدم که کاملاً لغات مانوسه پیدا کند اما نه يك چیز هائیکه هیچ ربطی بقومیت و ملیت و ترقی ما ندارد از يك طرف ما میگوئیم مجددم و از يك طرف بر میگردیم بزمان قبل از کیومرث

بنده عقیده دارم بجمع کردن لغاتیکه ما احتیاج داریم اما نه يك لغاتی را که مدرس شده حالا ما آنها را جمع کنیم - لغات فردوسی هیچ وقت از بین نرود و درت چرا آن لغات را جمع نمی کنید که مطابق احتیاجات ملت و برای سیر ترقی ملت لازم است لغت های پوسیده هیچ وقت تجدید نمی شود افراسیاب را بنویسند افراسیاب آباخیلی هم نوشتند ولی آیا کسی افراسیاب را افراسیاب گفت ؟ خیر چون ما هیچ احتیاج نداریم

بنده پیشنهاد میکنم طرح طبع فرهنگ ناظم الاطباء مطرح شود

روحی - بنده در اول جلسه نظرم این این بود که پیشنهاد کنم که این طرح طبع فرهنگ ناظم الاطباء جزء دستور شود و ما تا سافانه موفق نشدم در جلسه قبل هم آقای دست قبی پیشنهاد کردند که همین مسئله جزع دستور شود و تصویب بشد

چون مطابق اطلاعات خصوصی این يك فرهنگي است که بالغ بصد هزاران است و حاصل يك عمر مرحوم ناظم الاطباء است و همه آقایان هم دیده اند در کمیسیون هم قابل توجه شده است پنج دقیقه وقت هم بیشتر لازم ندارد که آقایان در قابل توجه بودنش رای بدهند - از این جهت تقاضا میکنم جزع دستور شود

رئیس - آقای آفا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده اولاً برای این است که قبلاً در دستور معین شده بود که بعد از لایحه رب السوس وارد در دیون دولتی شوم چون این کارائیکه از اوایل مجلس تا اکنون در اینجا نمیدانند مجلس هم دارد خاتمه پیدا میکند بنده عقیده ام این است که باید این لایحه در اینجا مطرح شود تا تکلیف این بیچاره ها معین شود از اینجا بیرون بروند و تا بنای بنده عرض می کنم اساساً ما نمیتوانیم بر گردیم بزمان کیومرث که به پیشم اورمزد میگفتند یا خدا همانطوری که جامعه ترقی میکند و ملت بزرگ میشود همانطوری که با لامیرود

ساجه کار داریم باینکه زمان کیومرث خشارش یا اورمزد میگفتند ما باید مطابق احتیاجاتمان لغت داشته باشیم - شما می فرمائید که ما بر گردیم بزبان کیومرث یا اینکه ببینیم در زمانیکه داریوش در کوه بیستون آن صورت هزارا میکشیده چه لغتی را استعمال میکردند ؟ این چه فایده برای ما دارد ؟

بنده معتقدم که کاملاً لغات مانوسه پیدا کند اما نه يك چیز هائیکه هیچ ربطی بقومیت و ملیت و ترقی ما ندارد از يك طرف ما میگوئیم مجددم و از يك طرف بر میگردیم بزمان قبل از کیومرث

بنده عقیده دارم بجمع کردن لغاتیکه ما احتیاج داریم اما نه يك لغاتی را که مدرس شده حالا ما آنها را جمع کنیم - لغات فردوسی هیچ وقت از بین نرود و درت چرا آن لغات را جمع نمی کنید که مطابق احتیاجات ملت و برای سیر ترقی ملت لازم است لغت های پوسیده هیچ وقت تجدید نمی شود افراسیاب را بنویسند افراسیاب آباخیلی هم نوشتند ولی آیا کسی افراسیاب را افراسیاب گفت ؟ خیر چون ما هیچ احتیاج نداریم

بله میفرمایند چاپ کنیم با کدام بودجه آیا بوزارت مالبه رفته است ؟ چون تمهید مالی دارد ما لایحه بفرمائید با کدام پولمان این کار را میکنیم

با چه پولی این را طبع کنیم حالا از طرف تیر تهمت به من میزنند که این برخلاف قومیت و ملیت و لغات قدیم است برخلاف تاریخ مجسم است نه والله برخلاف اینها نیستیم بنده موافق هستم با يك روح تجدد و تعالی که لسان ما مطابق تجدد ترقی ز تعالی نماید نه اینکه سیر قهقرائی بکنیم

بنده با این پیشنهاد جداً مخالف هستم زیرا معلی برای چاپ کردن این چیزها نداریم پولمان کجا بود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قبیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای افسر

افسر - پیشنهاد بنده را بعد از رب السوس رای بگیرند

رئیس - آقای افسر پیشنهاد خودشان را راجع باستخدام با یاریان تجدید میکنند اگر آقایان مخالف نیستند جزو دستور شود .

شیروانی - مخالفم

رئیس - قبلاً مذاکره شده است آقایان باینکه با پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمایند

(عده کمی برخوانستند)

رئیس - تصویب نشد - اگر آقایان لطف بفرمائید چیزهایی که جزو دستور می شود موافقت بفرمائید مطرح شود و زود تر بگذرد تصور میکنم تمام لوازمی که منظور نظر آقایان است بگذرد و الا باین زیرا آن لایحه مانده پیشنهاد شده است و حق هم با مجلس است

بنده هم مطابق نظامنامه اعتراض بنده ولی متأسفانه این ترتیب عملی نیست فلان قدری تنفس میدهم تا بعد در پیشنهاد ما مذاکره شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل میشود)

رئیس - آقای آفا سید یعقوب سؤالی از وزارت عدلیه داشتید آقای وزیر عدلیه تشریف آورده اند سؤالتان را بفرمائید

آقا سید یعقوب - از قرائت که تحقیق شد و آقای وزیر داخله هم اینجا دیروز آمده بودند و اظهار میداشتند معلوم شد که این مسئله را تا اندازه خود هیئت دولت

شیروانی - بلی

رئیس - بسیار خوب - ارجاع می شود بکمیسیون - در فقره دیگر پیشنهادات از طرف آقای کازرونی و آقای اسمعیل خان قشقائی راجع بالعاق کلمه خرما يك مرتبه رای میگیریم . بقول این تقاضا که تجدید رای شود اگر تصویب شد آن وقت نسبت بآن رای میگیریم

(دو فقره پیشنهاد شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده العاقبه ذیل ضمیمه قانون ممیزی شود

ماده العاقبه - خرما شامل ماده ۲ و تبصره آن خواهد بود

پیشنهاد آقای قشقائی - بنده پیشنهاد می کنم که ماده العاقبه ضمیمه شود

ماده العاقبه - خرما شامل ماده ۲ و تبصره آن خواهد بود

رئیس - در تبصره ماده دوم که مجلس رای داده است اینطور تصریح شده است که مقصود از مالیات جنسی گندم و جو و شلتوک است و در همان تاریخ هم کلمه خرما پیشنهاد شد و بعد تقاضای تجزیه شد و بر حسب تقاضای بنجنفر از آقایان باور تقاضای گرفته شد و الا تکلیف ماند حالا اول رای میگیریم . بقول این تقاضا که تجدید رای باشد اگر تصویب شد آنوقت رای میگیریم

اگر تصویب نشد که هیچ آقایانی که موافقت با تجدید رای نسبت باین پیشنهاد قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - اولاً بنده يك همچو فاصله ندیده بودم که يك پیشنهاد با يك کلمه بلانکلیف مانده بوده است بعد رای گرفته شود برای تجدید رای آن در حالتی که آن پیشنهاد بقوت خودش باقی است زیرا مجلس نقیاً و اثباتاً اظهار عقیده نکرده است

حالا رای گرفته شد بسیار خوب بنابر این تکلیف فعلی این پیشنهاد چیست رد شد معلوم نیست درند مجلس که رأی نهاد وارد مذاکره شود هر صورت بنده واقماً متعجبم که تکلیف این موضوع چیست

رئیس - در بودجه سه گشته اگر بخاطر تان باشد يك قلمش بلانکلیف ماند ولی بودجه برای آن مهمل نماند اینهم همان طور است شروع میشود به شور در کلیات لایحه ممیزی

مخبر - اجازه میفرمائید؟ در ماده هفت در تبصره راجع بجنوانات يك کلمه (و غیره) در آنجا سهوشده و نوشته شده است استدعا میفرمائید .

شیروانی - افسر - مهلوی وعده دیگر از آقایان . بنابر این اینهم ارجاع میشود به کمیسیون (خطاب با آقای شیروانی) این پیشنهاد همان است که میفرمائید؟

قبیل گاو و گاو میش کار واسب و قاطر و الاغ که احتیاجات زراعتی را مرتفع میسازد از تادیه مالیات معاف است این کلمه (و غیره) باید بعد از الاغ اضافه شود که شامل مادیان و شتر اینها هم بشود و این در موقع صدور رأب استباه شده است از این جهت خواستم یادآوری کنم

رئیس - کمیسیون هم همین طور تصویب کرده بود مخبر مبلی رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر)

رئیس - اصلاح میشود شور در کلیات شروع میشود کازرونی - بنده پیشنهاد کرده ام رئیس - يك تکلیفی برای موقع دادن پیشنهاد بفرمائید !! الی غیرالتیایه که نمی شود پیشنهاد قبول کرد !! پیشنهادی در اینجا نبود و بنده هم شور در کلیات اعلام کردم و بعد از آنکه شور در کلیات اعلام شد متأسفانه پیشنهاد جنابعالی رسید .

آقای آقا میرزا محمد خان وکیل (اجازه)

میرزا محمد خان وکیل - بنده در ظرف چهار سال یعنی دودوره بسکه در این قانون مخالفت کردم حالا دیگر مایل ندارم يك کلمه عرض بکنم زیرا آقایان اغلب حرفهای بنده را ملتفت و عرایض بنده را شنیده اند و حالا فقط بطور اختصار عرض میکنم و آن این است که در این مملکت حرفها غالباً فراموش میشود هر چه اینجا گفته میشود میرود در دفتر را که مجلس ضبط می شود در ماده اول هم بنده در اینجا نبودم و گذشت ولی حالا بطور اختصار عرض کنم

زیرا اگر بخواهم عرایض سابق را تکرار کنم بقیه دارم چهار ساعت باید پشت کرسی نطق باشم چون می بینم که آقایان میل دارند که این قانون خاتمه پیدا کند و زودتر بگذرد و بنده هم خودم باین نظریه موافقم از این جهت دیگر آن عرایض را عرض نمیکنم و چون می بینم دفعه آخر است و شور در کلیات است و بنده هم فرصت دیگری بدستم نخواهد آمد که بیایم اینجا و مذاکره کنم این است که حالا بطور اختصار عرض می کنم .

این قانون را باید در این مملکت مجری کنیم ولی بنده هر چه فکر کردم نفهمیدم طریقه اجرای این قانون چطور است مثلاً بنده نمیدانم این مالیات را از رعیت می گیرند مالک می گیرند از کی می گیرند؟ آن روز اینجا اظهار شد از مالک می گیرند حالا از رعیت می گیرند یا مالک ولی بنده حالا اشکال هر دو طرف را

عرض می کنم وضع معامله در این مملکت متفاوت است در هر نقطه ایران بواسطه تفاوت آب و هوا و استمدادی که دارد معامله بین رعیت و مالک متفاوت است یکجا صد بیست می گیرند یکجا صد پنجاه می گیرند یکجا صد شصت می گیرند یکجا هفتاد می گیرند و اینها فقط بواسطه استمداد آب و زمین است .

مثلاً اصفهان استمدادش زیاد است معامله بین رعیت و مالک صد پنجاه است ولی در آذربایجان و کرمانشاه و کردستان چون استمداد ندارد صد یا نود صد بیست الی صد بیست و دو می گیرند

بنده اینجا هر چه فکر کردم دیدم اگر باین ترتیب گرفته شود و نتیجه اش این می شود که بطور کلی مثلاً مالک ساوه و زرند صدی سی از عایداتش را می گیرند ولی یک نفر آذربایجانی صد بیست و دو ازش گرفته اند یا یک نفر کردستانی صد بیست و هفت داده است

بنده تمام اینها را حساب کرده ام و اگر آقایان عرایض بار سال بنده را در نظر بیاورند کاملاً به شان ثابت خواهد شد

و چون اینجا محل مباحثه نیست که بگوئیم و بشنویم ولی حاضر در بیرون به آقایان ثابت بکنم آنوقت ببینند در هر نقطه از ایران يك قسم مالیات می گیرند یا نه ؟

ولی حالا چون اغلب آقایان به بنده اظهار کردند که به مذاکرات خود ادامه ندهم از این جهت چیزی اظهار نمیکنم و فقط عرض می کنم که اجرای این مالیات در هر جا مستلزم اشکالات بزرگی است و چون می فرمایند اظهار می کنم با این که خیلی چیزها را یادداشت کرده بودم بیش از این چیزی عرض نمیکنم

جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست رئیس - آقای کازرونی چه میفرمائید کازرونی - بنده مخالفم با تکلیف مذاکرات .

رئیس - بفرمائید کازرونی - متأسفانه ما می خواهیم مابین اضعاد یعنی افسراط و تفریط را جمع کنیم . یکوقت یکماده قانون که خیلی صاف و ساده است می آید بمجلس و بقدری در اطرافش حرف زده می شود که اوقات مجلس و وکلا در اثر آن مذاکرات طولانی صنایع میشود .

امادریک قانون عام البلوائی که محل احتیاج مملکت است یکمرتبه این خیال پیدا میشود که بگویند مذاکرات کافی است و اجازه نمی دهند که اقلاً یکی دوفتر عقیده خودشان را اظهار کنند . من از حق خودم که پیشنهاد داده بودم حالا در آنچه بود ؟

یا در اثر زیادی پیشنهادات بود که بنده نداشتم و پیشنهاد بنده خوانده نشد و مجرم ماندم کاری بآن ندارم و حالا آقایان هنوز مذاکره نشده مذاکرات را کافی می دانند ولی بنده در هر صورت کافی نمیدانم رئیس - رأی می گیریم ب تکلیف مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . رأی گرفته میشود باورقه نسبت باین قانون که مشتمل بر شانزده ماده اصلی و دو ماده الحاقیه است که مجموعش میشود هجده ماده آقایانی که تصویب می کنند وزقه سفید والا وزقه کبود خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بقراردیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۶۶ وزقه کبود علامت رد .

رئیس - عده حاضر نمودند و با اکثریت شصت و شش رأی تصویب شد

اسامی موافقین : آقایان میرزا حسنخان بیرنیا . میرزا رضاخان حکمت . سید کاظم خان انصاری . میرزا احمدخان اشگر . میرزا یوسفخان قائم مقام . میرزا حسینخان علانی کی استوان . میرزا عبدالحسین صدر . آقا سید حسن تقی زاده

حیدرقلی میرزا حشمتی . سید علاءالدین بهبهانی . شیخ جلال الدین . میرزا حسینخان بیرنیا . آقا سید محی الدین . میرزا سید حسن کاشانی . آقا رضا بنجد . میرزا ابراهیم خان سهراب زاده . حسن علیخان فرمند . میرزا محمد تقی ذوالقدر . شیروانی

عباس میرزا فیروز . شیخ محمدعلی طهرانی . میرزا هاشم آشتیانی . اکبر میرزا . شیخ الاسلام ملابری . میرزا محمد حسین صدرائی . میرزا صادقخان اکبر آقا سید یعقوب . میرزا آقاخان دیوانبگی میرزا عبدالعزیز مفتی

فتح الله میرزا هرمزی . علیخان اعظمی میرزا عبدالله خان معتمد . میرزا محمود خان وحید . دکتر امیرخان اعلم . دکتر ضیائی میرزا محمد تقی بهار . آقا سید حسن مدرس . سید ابراهیم ضیاء سلیم ایزدی . میرزا احمد خان شریعت زاده حبیب الله خان شادلو . آقا شیخ هادی طاهری . سید ابوالفتوح . میرزا حبیب الله خان کمالوند . سیف اله خان اسکندرری سید محمد علی شوشتری . دکتر آقایان حاج میرزا احمد خمان اتابکی . دکتر حسینخان بهرامی . میرزا رضا خان افشار یحیی زنگنه . سلطان ابراهیمخان افخمی امیر حسینخان بختیاری . محمد تقیخان اسعد هایم .

حاج سید محمد باقر دست غیب . میرزا محمد خان معظمی . حاج میرزا علی رضا قمی . میرزا جوادخان نوینی . میرزا مهدیخان زاهدی . محمد ولی میرزا فیروز . ارباب کیخسرو شاهرخ . آقا رضا مهدوی . محمد ولیخان اسدی . روحی

اسامی مخالفین - میرزا علی کازرونی میرزا محمد خان وکیل . میرزا شهاب الدین سلیمان میرزا . حاج میرزا اسداله خان کردستانی

رئیس - پیشنهاد آقای افسر (بشرح دیل قرائت شد)

بعد از تمام شدن رأی تقاضا دادم ماده بنده جزو دستور بشود (بخنده نمایندگان)

افسر - مقصود از ماده همان ماده الحاقیه است آنروز هم عرض کردم امر روز هم بآقای مخبر مذاکره کردم و اصلاحی هم کردم ایشان هم قبول کردند و حالا هم باز عرض می کنم برای اینکه تبعیض نشود این ماده را بنده پیشنهاد کرده ام و اگر آقایان موافقت بفرمایند خوانده شود و آقای مخبر هم قبول بفرمایند و نگذارند یکماده باین مهمی از بین برود و الا این ماده الحاقیه جزو دستور گذاشته شود .

مخبر - بنده بعنوان ممیزی دیگر نمی توانم چیزی عرض کنم ولی چون آقای افسر فرمایشاتی فرمودند بنده بعنوان عضو کمیسیون قوانین مالیه عرض میکنم که در کمیسیون نظری گرفته شد که پیشنهادات راجع به این قانون هر چه هست بماند تا با توافق نظر دولت مصالحتی بشود و رأبرت جدیدی تقدیم مجلس بشود و این هم چون در عهد همان پیشنهادات است اگر آقای افسر مایل باشند ارجاع شود بکمیسیون که در ضمن تکلیفش معلوم شود

رئیس - در موقعی که آقای مخبر این اظهار را کردند آقای افسر تشریف نداشتند سایر آقایان که پیشنهاد داده بودند این ترتیب را قبول کردند ولی در هر حال نمیدانم حالا این پیشنهاد راه نظامنامه دارد ؟

دست غیب - بنده اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - کاری نکردیم که اخطار نظامنامه دار بدولی معذک بفرمائید دست غیب - این ماده راجع بقانون ممیزی است یا نه اگر هست که شور در آن تمام شده و دیگر نمی شود مذاکره کرد

اگر طرح جدیدی است که طرح جدید باید ارجاع بشود بکمیسیون مبتکرات و در آنجا قابل توجه شود و بر گردد بمجلس و در مجلس قابل توجه شود و از مجلس مجدداً بر گردد بکمیسیون و از کمیسیون بیاید به مجلس و اگر راجع بخبر دیگری است و آقای افسر میخواهند ماده شان را مطرح بکنند آن چیز دیگری است رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی ایشان

خصوصیتی دارد که بملاحظه آن خصوصیت ایشان پیشنهاد کردند و آن این است که بر حسب رأی مجلس در جلسه قبل قابل توجه شد ولی حالاً ممکن است با آن نظر آقای مخبر موافقت بفرمایند تا رأبرت جدید داده شود .

پیشنهاد ختم جلسه هم شده است آقا سید یعقوب - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده از این جهت با ختم جلسه مخالفم که مکرر اینجا گفته شده که مجلس رو بتمام شدن است و تکلیف این بیچاره هائی که در این مجلس مانده اند معین نشده است

بنده عقیده ام این است که خویست این دیون دولتی را جزو دستور قرار دهند که تکلیف این بیچاره ها هم معین بشود این است عقیده بنده

وزیر عدلیه چنانچه خاطر محترم آقایان مسبوق است لایحه راجع بمسیو برتی مدتهاست تقدیم شده و در کمیسیون هم تصویب شده و رأبرتش هم حاضر شده از این جهت استدعای کنم که برای جلسه آتی جزو دستور قرار دهند چون بیش از این نمیشود او را بلا تکلیف گذاشت و با احتیاجی که وزارتخانه باین شخص دارد مقتضی است که هر چه زودتر تکلیفش معین شود .

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای شوشتری راجع ب ختم جلسه آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند . (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . جلسه آتی روز سه شنبه دستور هم اولاً انتخاب دو نفر عضو برای کمیسیون عدلیه ثانیاً بقیه خبر های کمیسیون مبتکرات که البته هر چه زودتر مجلس تکلیفش را معین کند بهتر است و بعد هم پیشنهاد آقای وزیر عدلیه راجع به مسیو برتی و پس از آن هم لایحه دیون دولتی و ضمناً استعدام با یاریان راهم آقایان بفرمایند جزو دستور شود

(مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م . شهاب علی خطیبی

جلسه ۲۳۷ صورت مشروح مجلس ۲۲ دی ماه ۱۳۰۴ مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه بیستم دی ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند . رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع (اجازه)